



سیاسی



شاخک‌های حساس غول‌ها

اشاره

در عصر کنونی اگرچه دیگر آن چنان خبری از جاسوس‌ها و نفوذی‌های اجبر شده، نیست اما خبرگزاری‌ها و ابزار رسانه‌ای نوین به بهترین شکل وظیفه هشدارهای اولیه و به دست آوردن اطلاعات و آرایه آن‌ها را به حکومت‌ها و قدرت‌های بزرگ بر عهده دارند. این نوشتار بر آن است تا نقش نمادین خبرگزاری‌ها را به عنوان پیاده نظام امپراطوری رسانه‌ها در هر کشور، در بستر سازی و تبیین هشدارها و تهدیدها و فرصت‌ها برای قدرت‌های بزرگ آرایه دهد.

حسن طاهری





رویت، سی ان ان، اسپیکل، یورو نیوز، بی بی سی و چند رسانه خبر پراکنی دیگر! تاکنون به این خبرگزاری‌ها گوش سپرده‌اید؟ آدم‌هایی که ندانند جوهره اساسی این نهادهای تکثیر و ترویج خبر و گزارش در کجا رقم خورده است، پس از شنیدن برنامه‌های شبانگاهی یا صبحگاهی آنان، تصور خواهند کرد، یگانه مسیر

جریان حقیقت و کشف آن، فقط و فقط همین سرشاخه‌های رسانه‌ای است. آن هنگام است که تحلیل‌های آبکی و نه چندان مستدل این زایشگاه‌های خبر، اقوال ثابت انکارناپذیری می‌شوند که همه ذهن‌ها را به نتیجه‌ای واحد می‌رسانند. به راستی آیا این مراکز تکثیر خبر و نهادهای زاینده تحلیل‌های گل‌خانه‌ای، می‌توانند میزان و محک حقوق فرزندان آدم ابوالبشر باشند؟ و حتی چگونگی اداره حیوانات، کوه‌ها، درختان و ذرات گیتی در پرتو تحلیل‌های مغناطیسی آن‌ها تعبیر گردد؟ کدام یک از این نهادهای خبری، بر دایره درخشان حقیقت دست یافته‌اند که توان تفسیر جمعی واحد را در عالم، حق بلامنزاع خود می‌پندارند؟...

این پرسش‌ها اگر چه پاسخ خود را به روشنی در همه عرصه‌های اجتماع کنونی درمی‌یابند، اما هیچ جوینده‌ای بر آن دست نخواهد یافت جز آن‌که هزاران هزار پیشوند و پسوند نمادین و ژورنالیستی به داندگان آن پاسخ‌ها، اعطا خواهد شد؛ آن هم در فجع‌ترین و شنیع‌ترین قالب‌های نوشتاری و گفتاری! می‌خواهید بدانید کدام پسوند؟!... «جهان سومی»، «عقب مانده»، «توسعه نیافته»، «مرتجع»، «دگم»، «امل»، «اصول‌گرا»، «بنیادگرا» و جالب‌تر از همه این‌ها «تروریست»! جهان نمادین طواغیت مدرنیته و آدم آهنی‌های کوکی الکترونیکی، فراتر از آن چه بر حق و راستی بنا نهاده شده باشد، بر وقایع باطل و فریبکارانه شکل یافته است. خاصیت شیاطین بافتن اباطیل فریبنده است تا به مدد نسیان انسان به اغوای او پردازند. این وقایع قرار نیست منطبق بر واقعیت حق باشد؛



بلکه می‌تواند واقعیت‌هایی را در برگیرد که استخوان‌بندی آن را و همیات و تصورات منفعت‌طلبانه



**خبرگزاری‌ها شاخک‌های غول
اهریمنی عصر آخرالزمان هستند که
به خوبی پدیده ظهور جمعی معنویت
بشر فلک‌زده را احساس کرده‌اند؛
شاخک‌های حساسی که زودتر از وقوع
حوادث پیام‌هایی هشدار دهنده را به
جهان پیرامون و ساکنان مسحور
شده‌اش ارسال خواهد کرد.**

صاحبان صنعت، پول، قدرت و رسانه تشکیل داده است؛ خواه کذب و دروغ باشد، خواه صدق و راست. معیار، در پراکندن این واقعه، تضمین منفعت و

بهره‌است. رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها این ضمانت را به عنوان مانیفست لایتغیر خود پذیرفته‌اند و «حقوق بشر» بهترین چماق مغناطیسی است که به کار می‌آید تا این مانیفست، در قالب‌های گوناگون ظهور یابد. «حقوق بشر» چنین ناقص الخلقه‌ای است که در روابط نامشروع صنعت و فلسفه مادیون غرب سر برآورده است. در غیر این صورت شایسته است این نکته بر زبان آید تا روشن گردد که کدام مکتب مبتنی بر ابلاغ رسل از طریق وحی بر آن مهر تأیید گذارده است؟ و اصلاً آیا بنیان‌های تفکر مادی و ماتریالیستی غرب اجازه ورود وحی و شریعت و پرچمداران آن را در این مباحث خواهد داد؟

خبرگزاری‌ها بر این «حقوق» - که به تضمین بهره و سود صاحبان صنعت و زور خواهد پرداخت - به خوبی واقفند و می‌دانند که چه سان ذهن‌ها و دیدگان مخاطب را در حیطه گزارش‌ها، اخبار و تصاویر ارسالی باز و بسته خود، به این سو و آن سو سوق دهند. همان سویی که پوکر بازهای جنتلمن آن را برگزیده‌اند... باور نمی‌کنید؟ عراق و افغانستان، سودان، لیبی، ونزوئلا، شیلی و کوبا، لبنان و فلسطین، و آن سوتر بوسنی و خلیج فارس و کناره‌های دریای هند! از یادم رفته بود، کوتوله‌های ترسو و عاری از غیرت یعنی عرب‌ها. نگاه کنید! همه داستان را با دیدن آن‌ها خواهید فهمید. میزان رعایت «حقوق بشر» و گزارش‌ها و مصوبات کمیسیون‌های سازمان به ظاهر بین الملل و در حقیقت «خاص الملل» است. به ویژه برنامه‌های نظامی و اقتصادی که اهرمی برای اعمال «حقوق بشر» به شمار می‌آیند. چه کسی می‌تواند ذهن‌ها را برای اعمال و اجرای این مصوبات که منفعت

«خاص الملل» در آن تضمین شده، آماده سازد؟ درست حدس زده‌اید، همان زایشگاه‌های خبر و مراکز تکثیر گزارش و تصویر؛ خبرگزاری‌ها. آن‌ها به خوبی می‌دانند کدام یک از سران - خواه رییس جمهور و دموکرات باشد، خواه سلطان و دیکتاتور - سرسپرده یا گردن‌کش در برابر صاحبان صنعت و زور هستند. این را از میزان باز و بسته بودن شیرهای نفت و گاز و واگذاری منابع طبیعی و معادن الماس و طلا و یا فروش رایگان برده‌های نوینی که در غل و زنجیر قوانین مدرنیته و تکنولوژیکی غرب، گرفتارند، می‌توان فهمید.

و اما در این تاریخ که بازار و معرکه پر آشوب نهالی سر زده است به نام حکومت جمهوری عشق، نظامی مقدس که آرمان آن را به خون رقم زده‌اند و شهیدان آن، آهنگ رهایی همه بشریت از زنجیرهای مادیت غرب، نموده‌اند. و چنین است که سر فصل زیستن این نظام عاشورایی خشم چنین نهادهایی را برانگیخته است. تعجب نکنید. این نکته، هم از اقتضای طبیعت آنان است و هم از ره کین. باید در همین نزدیکی‌ها دوباره منتظر نیش‌های عقرب‌های رسانه‌ای آن‌ها باشیم. بخش آغازین تمدن آنان بر تجاوز و تغافل، استعمار و استعمار، افول و غروب، اغوا و فریب، زر و تزویر و جنایت و زور بنا نهاده شده است. بی‌گمان، این بنیان‌کژ و سست و نازبا که در سرمای جهل سر برآورده، در برابر تشعشع برق آسا، پر حرارت و درخشان حکومتی که در کرانه عاشورایی خورشید شهادت بنا شده است، فرو خواهد ریخت. این حقیقت، خوف و وحشتی را بر نظام پوشالین استکبار و شیطان بزرگ، مستولی می‌سازد که خواب را از دیدگانش می‌رباید. بی‌دلیل نیست که این روزها تمام توان تبلیغات عالم برای قرار دادن دو واژه «بنیادگرایی» و «شهادت‌طلبی» در کنار لفظ «تروریسم» به کار گرفته شده است. خبرگزاری‌ها شاخک‌های غول اهریمنی عصر آخرالزمان هستند که به خوبی پدیده ظهور جمعی معنویت بشر فلک‌زده را احساس کرده‌اند؛ شاخک‌های حساسی که زودتر از وقوع حوادث پیام‌هایی هشدار دهنده را به جهان پیرامون و ساکنان مسحور شده‌اش ارسال خواهد کرد. در حقیقت آنان پیاده نظام حرکت نوین دنیای غرب در مواجهه با اسلام و جهاد و مبارزه و شهادتند. آنان به خوبی دریافته‌اند که: «لَا اِنْ حَزَبَ اللّٰهُ هُمَ الْغَالِبُونَ»